

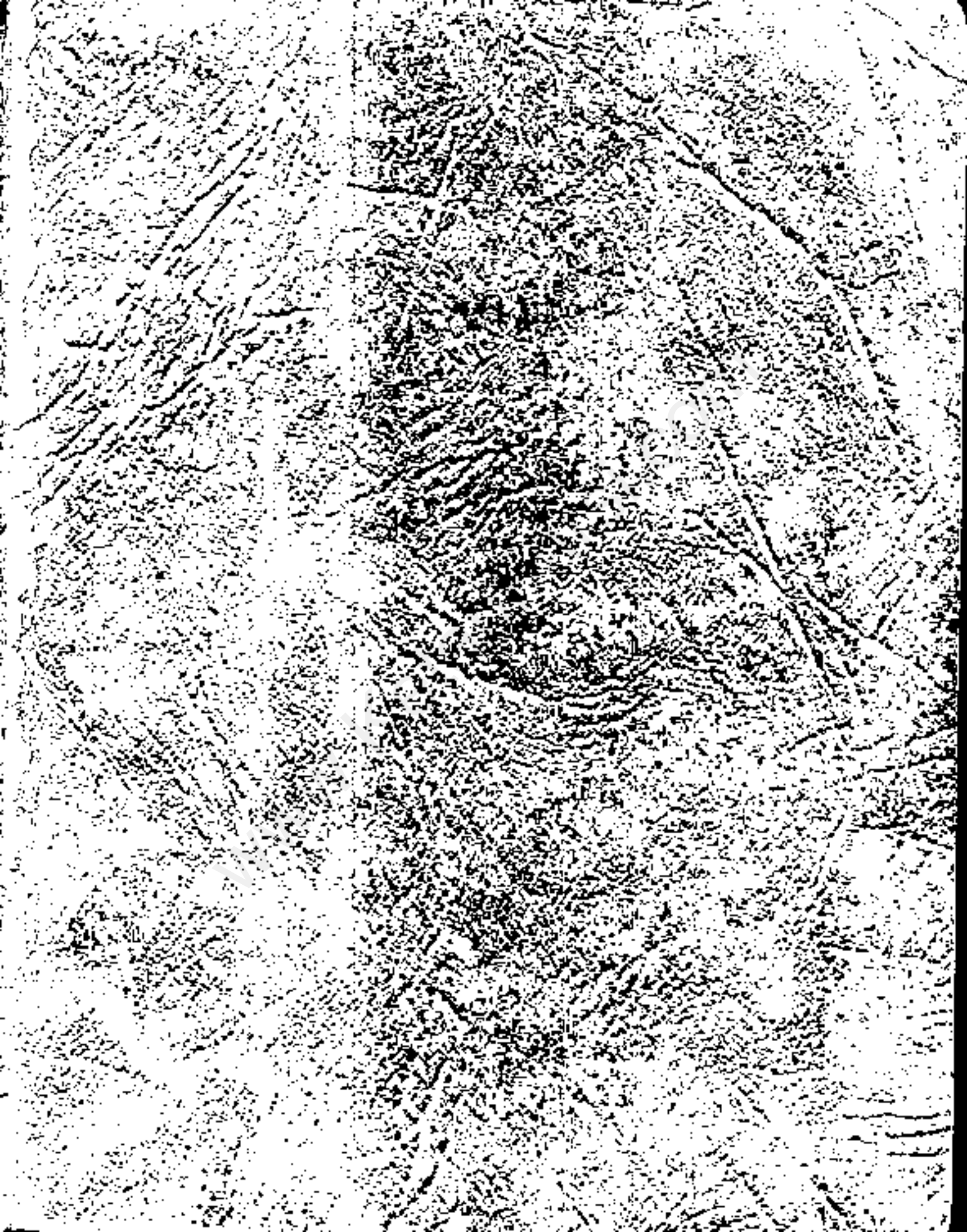


از  
مالکس  
تا  
مانریتسه دون

نوشته: جورج قامسون

اسفند ۱۳۵۳

۷



[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)





از  
مادکس  
تا  
مائوتسه دون

نوشته: جورج تامسون

اسفند ۱۳۵۳



کتابی که در پیش دارید ، « از مارکس تا مائوتسه دون » ، توسط جورج تامسون یک نویسنده مرفقی و مبارز انگلیسی نگارش یافته است . در پیمای هفتگانه این کتاب نویسنده بطور عاقلانه ای موفق گشته نشان دهد چگونه لنین ، مائوتسه دون و رفیق مائوتسه دون تئوری سوسیالیسم علمی را که نخستین بار عالمانه ای توسط دو آموزگار کبیر پرولتاریا مارکس و انگلس بنیان نهاده شد تکامل یافته اند . این کتاب سه نوعی بارزی بر تحریکات ضد انقلابی رومیزیونستهای مدرن در باره سوسیالیسم بطور کلی و انقلاب سوسیالیستی بطور خاص و نیز اراجیف تروتسکیستی در باره « دنیا - مسم انقلاب جهانی » و انقلاب باطل « همکمر » که خود یا تئوری نفی انقلاب در مجموع منطبق است ، خط بطلان کشیده و با تحلیل از روندهای تکامل و پیروزی و انقلاب دوران ساز این صده بیمنی انقلاب سوسیالیستی اکتبر در روسیه و انقلاب چین نشان میدهد در عصر امپریالیسم انقلاب در یک کشور و در این رابطه ، در سطح جهان چگونه تکوین یافته و موفق میگردد .

امروزه همچنان که رفیق انور عواید میگوید : « در گذشته سوسیالیسم تجربیات تاریخی گرانبهایی انباعت کرده که چکیده آن در تئوری مارکس - لنینیسم خلاصه میگردد . تئوری ای که خلاصه آن توسط زندگی یا ثبات رسیده است . بسا اطمینان کامل باین تئوری علمی و تلفیق آن به شرایط معین هر کشوری و نیروهای انقلابی - سوسیالیستی رسیدن به سوسیالیسم را برخواهند یافت . » و این همان انگیزه است که ما را مصمم نمود این کتاب را بفارسی برگردانده و در اختیار هم میهنان فرار نیم - زیرا معتقدیم محتوی آن میتواند چون مقدمه ای در خدمت پرورش سیاسی - تئوریک پیوندگان راه انقلاب ایران قرار گیرد .

نکته قابل تذکر اینست که در بعضی هفتم این کتاب ، آنچه است که در باره اولین

دولت سوسیالیستی و پروسه ساختمان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی از حزب کمونیست آن کشور و رهبری اش ژوزف استالین ارزیابی کرده و نویسنده در برخی موارد تحلیل های نادرست ارائه داده و مواضع بغایت نادرست تری اتخاذ نموده است. این اشکال طبیعتاً نمیتوانست مورد قبول و تأیید ما قرار گیرد و عین برغورد اصولی بدان جلوی چاپ و انتشار کتاب را مکفرت. لیکن از آنجائیکه محتوی این کتاب در مجموع مثبت ارزیابی شده و نیز انگیزه ای که باعث ترجمه آن گردیده بود، ما را بر آن باعث خلاصه ای از تحلیل و مواضع خود را در مورد لازم و در جای خود بصورت يك «پاورقی» ارائه داریم.

در پایان، از آنجائیکه مسئله رفیق استالین و نقش وی در جنبش بین المللی مسئله ای پیچیده و در عین حال از نظر سیاسی بسیار آموزنده است، ما سعی خواهیم کرد در آینده در فرصت مناسبی نظر خود را در این مورد انتشار دهیم. در این رابطه، از هم مهربانی که تحقیقاتی در این زمینه دارند و یا صاحب نظرند نیز انتظار داریم نتایج پژوهش و نظریات خود را در این مورد در اختیار ما گذارند تا با انتشار آن مجموعه جنبش بتواند از آن بهره مند گردد.

در راه بسج تمام خلق، در راه وازگونی بساط ارتجاع، در راه ایجاد دیکتاتور  
مکراتیک خلق به همی!

بدکا، انتشاراتی روزبه

دی ۱۳۵۳



از مارکسی تا مائوئیسم

بررسی دیالکتیک انقلابی

اثر

ژوزف تامسون

• آنها مطلقاً به آن چیزی که در مارکسیسم حیاتی است پی  
نبرده‌اند و یعنی • دیالکتیک انقلابی مارکسیسم • لندن

گروه مطالعاتی سیاست‌جهن

لندن

چاپ دوم

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## مقدمه مؤلف

این جزوه يك بررسی مارکسیستی از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و انقلاب ۱۹۲۹ چین است - منظور نشان دادن وحدت و پیوستگی این دو انقلاب بعنوان دو مرحله متوالی در انقلاب سوسیالیستی جهانی میباشد - پایه های تئوریک مشترک این دو انقلاب بوسیله نقل قولهای زیادی از کلامیک های مارکسیستی بخصوص آثار لنین و مائوتسهدون تکمیل شده است - این نقل قولها به خواننده اجازه میدهند که پیروان این دو انقلاب را توسط افکار و نظرات رهبران آن تعقیب نموده و در ضمن مقدمه ای خواهند بود برای ترک اصول اساسی ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی - زیرا که این اصول فقط در پرتو مبارزات انقلابی که در نتیجه آنها این تئوری ها فورموله شده و با هستی مستقیما در خدمت مبارزات انقلابی قرار کهنند قابل درکند -

این کتاب را به دوگلس کارمن ، کسی که تعلم و تربیت مارکسیستی ام را از او فرا گرفته ام ، تقدیم میدارم - او بعنوان يك سازمانده تعلیماتی حزب کمونیست انگلستان ( ج . ک . پ . ک . ) در سطح ملی ، عبقکهای از مدارس حزب بوجود آورد که کارگران صنعتی از تمام نقاط کشور در آن حرکت میکنند و بوسیله خود وی و عاگردانش که تحت تعلیمات عالیه وی قرار گرفته بودند حمایت میگردد - او در سال ۱۹۵۰ بر اساس اختلاف نظرهایی که با رهبری حزب بر سر خط رویزونیستی سوسیالیسم نوع انگلیسی ، که از همان اوان وی با آن مخالفت میورزید ، از این کار کناره گیری نمود - در آن مبارزه او حکمت خورد ، لیکن در میان کسانی که در مدارس حزبی وی حرکت کردند ، بودند افراد بسیاری که هم چون خود من ، هیچ گاه درسهای دیالکتیک انقلابی وی را فراموش نکرده اند ، و این خود به آنها کمک نموده که بتوانند امروزه مبنی انقلابی را تعقیب کنند -

روز تامسون

بهرمنگهام ، ۱۹۷۱

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## اختصارات

( مشخصات کامل آثار نقل شده در پایان کتاب ذکر میشود )

ج - جلد ، ص - صفحه ، صص - صفحات

ل م آ - مجموعه آثار لغین

م - ا - منتخب آثار مارکس و انگلس

م - ا - ا - مارکس و انگلس ، ایدئولوژی آلمانی

م - ا - د - مارکس و انگلس ، جنگ جهانی در آلمان

م - ا - م - مارکس و انگلس ، پیرامون منعب

م م آ - منتخب آثار مائوتسودون

م م ف - مائوتسودون ، چهار مقاله فلسفی

م ن ف - نقل قولهایی از مائوتسودون

پ - ر - نقل قولهایی از مائوتسودون و دیگران در بکن ریویو

ا م آ - مجموعه آثار استالین

ا - ل - نهمین اثر استالین

ا - د - م - دادگاه مسکو و دو سخنرانی استالین

ا - م - مسائل اقتصادی ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی اثر استالین

اشاره به نقل قولها در متن کتاب بصورت زیر است :

مثال : ( ل م آ - ۱۰۰ + ۱۲ ) منظور مجموعه آثار لغین ، جلد ۱۳ ، صفحه

۱۰۰ میباشد .

www.KetabFarsi.com

## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>۱</u>	
		فصل اول - دیکتاتورى پرولتاریا
		۱- قدرت طبقه کارگر
		۲- ادامه مبارزه طبقاتی
		۳- مبارزه آیدئولوژیک
		۴- آپورتونیسیم "چپ" و راست
۱۲		فصل دوم - از انقلاب بورژوازی تا انقلاب پرولتاری
		۱- روابط طبقات در جامعه مدرن
		۲- انقلاب روسیه
		۳- انقلاب چین
۴۲		فصل سوم - پرولتاریا و دهقانان
		۱- نقش رهبری پرولتاریا
		۲- اتحاد کارگر و دهقان
		۳- قهربندهی دهقانان
		۴- زمین پرولتاریا
		۵- پرولتاریا در غرب
۷۲		فصل چهارم - مسئله ملی
		۱- ملت در جامعه معاصر
		۲- تعیین سرزمین ملی
		۳- جنبه‌های آزادبختی ملی
		۴- خودمختاری ملی و خودمختاری محلی
		۵- فرهنگ ملی و فرهنگ بین‌المللی
۱۲۳		فصل پنجم - سوسیالیسم در یک کشور
		۱- تئوری انقلاب بی در پی مارکس
		۲- پیروزی انقلاب اکتبر
		۳- تکامل ناهمگون
		۴- انقلاب در غرب

- ۱- درسهای کمون پارسی
- ۲- حزب طراز نوین
- ۳- حزب پیشاهنگ
- ۴- سائترالیم دموکراتیک
- ۵- از توبهها به توبهها

- ۱- انقلاب پرولتری
- ۲- ساختمان سوسیالیسم
- ۳- انحرافات = چپ = و راستها
- ۴- بورژوازی جدید
- ۵- ضرورت انقلاب فرهنگی
- ۶- مبارزه طبقاتی در جامعه سوسیالیستی
- ۷- رویزیونیسم معاصر

- ۱- آزادی ملی
- ۲- برخورد به تضادها
- ۳- راه سرمایه‌داری
- ۴- حرکت‌های گامی در دولت
- ۵- انقلاب و تولید
- ۶- کار کمونیستی



## فصل اول

### دیکتاتوری پرولتاریا

« نخستین گام در انقلاب تاریخی عبارتست از ارتقا پرولتاریا به مقام طبقه حاکمه و بنف آوردن دموکراسی » (مانیفست حزب کمونیست)

#### ۱- قدرت طبقه کارگر

لغوی چنین مینویسد :

« آنهایی که فقط به مبارزات طبقاتی معتقدند هنوز مارکسیست نیستند... فقط آنکسی مارکسیست است که نه فقط مبارزات طبقاتی را قبول دارد بلکه به « دیکتاتوری پرولتاریا » نیز معتقد است. این چیز است که ما بهمن یک مارکسیست و یک خرده بورژوا (و یا بورژوا) فرو میگذاریم. این چیز است که با آن اعتقاد به اصول مارکسیسم بایستی آزمایر شود. »  
(ل م آ - ۱۴۱ - ۲۵)

بدین ترتیب مثله دیکتاتوری پرولتاریا بر تعریف لنین از یک مارکسیست کنیای نهاده میشود. بر این مبنی اگر چنانچه این تعریف را قبول مینمیم ما نیز بایستی آنرا بعنوان معیار و معک تشخیص تفاسیر مختلف و متضاد از مارکسیسم که امروزه رایج هستند بنظر بریم.

جامعه طبقاتی بر مبنای استثمار استوار است. استثمار کنندگان طبقه حاکم را تشکیل داده و استثمار شوندگان طبقه یا طبقات معلوم را. طبقه حاکم توسط دولت که وسیله ای برای انقیاد قهرآمیز یک طبقه بوسیله طبقه دیگر است حاکمیت خود را اعمال میکند. مهمترین ابزار دولت را ارتش و پلیس تشکیل میدهند؛

« سهامی معین دولت وجود طبقه ای جفا از مردم است که قدرت را در دست خود متمرکز نموده است. » (ل م آ - ۱۴۱ - ۱۸)

« بنا به گفته مارکس دولت وسیله حکومت طبقاتی است و وسیله‌ای برای  
ستم یک طبقه توسط طبقه دیگر. ایجاد «نظم» و کنترل تضاد بین طبقات  
این استثمار را بصورت قانونی و همگنی در می‌آورد.» (ل م آ - ۲۸۲ تا ۲۸۵)

« یک ارتش و پلیس آماده عمده‌ترین ابزار قدرت دولتی بشمار می‌روند.»  
(ل م آ - ۲۸۹ تا ۲۹۰)

بنابراین هر یک از اشکال جامعه طبقاتی از برده‌داری گرفته تا فئودالیسم  
و سرمایه داری هر کدام دیکتاتوری طبقه حاکم می‌باشند. شکل ظاهری دولت‌ها متغی-  
ر و متغی در جامعه بورژوازی و ظاهر دولت کم و بیش دموکراتیک است. حتی انتمسا-  
یات پارلمانی بر مبنای حق رای همگانی وجود دارد ولی باز هم دیکتاتوری برقرار  
است. « دیکتاتوری بورژوازی با ماسک پارلمانتاریستی.» (ل م آ - ۱۰۰ تا ۱۰۳)  
« دموکراسی بورژوازی که برای تربیت و آماده کردن پرولتاریا برای نبرد  
بسیار زینمات است و همیشه گونه نظراند و رهاکارانه و قلبی است. همیشه  
دموکراسی برای ثروتمندان و تزویر برای بیدوایان است.» (ل م آ - ۱۰۸ تا ۱۰۹)  
بر این مبنی و در حالیکه لنین کارگران را تشویق می‌نمود که از آزادیهای  
بورژوا دموکراتیک با حفظ روحیه دموکراتیک محکم و انگلیسی (ل م آ - ۲۹۰ تا ۲۹۱)  
حداکثر استفاده را بنمایند ولی در عین حال با آنها هم‌دار داد که بنیت گرفتن  
قدرت یا روش و ابزار پارلمانتاریستی خواب و میثالی بهی نیست. این مسئله  
اختلاف اصلی بین لنین و رویزونیست‌های دوران وی بود :

« خطرناکترین چیز در مورد انترناسیونال برن اعتراف آن در لفظ «سه  
خفاختن دیکتاتوری پرولتاریا میباشد... کوعفایشی میشود تا دیکتاتوری  
پرولتاریا صرفا در حرف شناخته شده تا بتوان در جنبان مسائل نظیر  
طراذه اکثریت» « حق رای همگانی» (این همان جهت است که کائوتسکی انجام  
میدهد) « پارلمانتاریسم بورژوازی و با نفی اینکه مابین دولتی بورژوازی  
بایستی نیست و نابود شده بمیان آورده شود. از این حفره‌ها و نهرنگهای  
رفرمیس بایستی بهر از هر جهت نگران بود.»

اگر چنانچه اکثریت جمعیت را پرولتاریا و نیمه پرولتاریا تشکیل ندهند و

دیکتاتوری پرولتاریا امکان پذیر نخواهد بود. کاتونسکی و هرکاس - بسا مطرح کردن اینکه " رای اکثریت " برای معتبر شناختن دیکتاتوری پرولتاریا - رها لازم است این حقیقت را باعمال میکنند. چه منبرداران مضکی . آنها اصلا نمی فهمند که رای دامن بر چه ریویب . موسسات و رسوم پارلمانتاریسم بورژوازی جزئی از ماعین دولتی بورژوازی است که بایستی از سر تا پا خرد و نابود شده تا راه برای گذار از دموکراسی بورژوازی به دموکراسی پرولتری باز خود . " ( ل م آ - ۵۱۰ و ۲۹ )

بنا بر این میتوان نتیجه گرفت که هرگونه کوچکی برای استفاده از دستگاه دولتی بورژوازی ، نه بمنظور حفاظت حقوق بورژوازی بریا شده ، اگر قرار باشد که در جهت نابودی این حقوق بکار روده ، لزوما محکوم به شکست خواهد بود :

" این محض کمراهی ، خود فریبی و مردم فریبی است که سعی خود را استفاده از دستگاه دولتی رفرمهای از قبیل لغو مالکیت ارضی بدون پرداخت بهای آنها و یا لغو انحصار غلات و غیره انجام پذیرد . این دستگاه ... مطلقا قادر نیست که حتی رفرمهایی که بطور جدی دامنه " مالکیت عمومی مقدس " را محدود میکنند عملی سازد . چه رسد باینکه این امتیازات را ملغی نماید . بدین سبب در تمام کابینهها " اعتلائی " یا شرکت " سوسیالیستها " حتی اگر بعضی از سوسیالیستها افراد مادی باشند با افعال کابینه یا بصورت زمسوری بیفایده و یا شهری برای دولت بورژوازی ، بصورت وسیله ای برای انحراف عثم مردم نسبت بدولت و کول زدن آنها خواهد بود ... تا زمانیکه دستگاه بورژوازی نرسیده بورژوازی پایرجاست این چنین بوده و این چنین خواهد بود . " ( ل م آ - ۲۱۹ و ۲۵ )

در نتیجه ، دولت بورژوازی تنها توسط قهر سقوط خواهد کرده دیکتاتوری پرولتاریا بایستی جایگزین دیکتاتوری بورژوازی گردد :

" چکیده و مضمون تئوری مارکس در مورد دولت تنها توسط کسانی فهمیده شده است که درک کرده باشند که دیکتاتوری یک طبقه نه تنها برای هر جامعه طبقاتی ضروریست ، نه تنها برای پرولتاریا پس از شکست بورژوازی ضروریست ،

بلکه در تمام دوران تاریخی که سرمایه‌داری را از «جامعه بدون طبقه» یا کمونست جدا می‌کنند نیز ضرورت «دول بورژوازی از نظر شکل ظاهری بسیار متفاوتند ولی ماهیت همه آنها یکی است» کلیه این دولت‌ها علیرغم صورت ظاهریشان در تحلیل نهائی دیکتاتوری بورژوازی می‌باشند « گذار از مرحله سرمایه داری یکسویه مسلط به صورت و اشکال مختلف سیاسی نمایان خواهد شد ولی ماهیت آنها یکی یکسان یعنی دیکتاتوری پرولتاریا خواهد بود » ( ل م آ - ۱۱۳ و ۱۱۵ )

در روسیه نحوه‌ایکه دیکتاتوری پرولتاریا بوجود آمد با این صورت بود که پرولتاریا با حمایت دهقانان فقیر قدرت دولتی را از دست فئودالها و بورژوازی بزرگ با طبقه سرمایه دار خارج نمود « ( ل م آ - ۱۱۹ و ۱۲۰ )

بعین طریق پس از اینکه پرولتاریا بقدرت رسید « دموکراسی بورژوازی را منقضی نموده و دموکراسی پرولتاریائی را جایگزین آن مینماید :

« پرولتاریا بقدرت میرسد « بصورت طبقه حاکم در عی آینده پارلمانتاریسم و دموکراسی بورژوازی را منقضی میکند « بورژوازی را بزیر سلطه خود میاورد « کوفته‌های تمام طبقات دیگر را بغاطر بازگشت به سرمایه داری عبت می‌کند « آزادی و دموکراسی واقعی به خلق زحمتکش میدهد ( و این آن موقمی عملی است که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید منقضی شده باشد ) و نه فقط حقوق استفاده بلکه استفاده واقعی آنها نیز از بورژوازی ساقط شده است و با آنها میدهد « ( ل م آ - ۱۱۱ و ۱۱۲ )

بعین ترتیب دیکتاتوری پرولتاریا دموکراسی برای خلق و دیکتاتوری بر علیه سرمایه داران است :

« بلهویسم در سراسر دنیا آمده « دیکتاتوری پرولتاریا « را مذهب و موز فبول خلقها کرده است « بلهویسم این کلمات را اول از لنین به روسی و سپس به تمام زبانهای دنیا ترجمه کرده و با مقال دولت‌شوراها نشان داده است که چگونه کارگران و دهقانان فقیر حتی يك کشور عقب مانده با کمترین تجربه « معلم و تربیت و عادات تفکراتی قادر بودند که بیست یکسال

تمام در میان مشکلات عظیم و در میان مبارزه بر علیه استثمارگران ( که توسط بورژوازی تمام دنیا حمایت شدند) قدرت خلق کارگر را پای برجای نگاه داشته ، آنچنان دموکراسی بوجود آوردند که بی اندازه از تمام دموکراسی - هائی که تاکنون در دنیا وجود داشته عمیق تر و وسیع تر بوده و ساختمان علمی سوسیالیسم را با کار خلق میلیونها کارگر و دهقان شروع کنند . » ( ل م آ - ۲۹۳ و ۲۸ )

« همزمان با گسترش عظیم دموکراسی که برای اولین بار دموکراسی برای فقرا ، دموکراسی برای مردم و نه دموکراسی برای ثروتمندان است ، دیکتاتوری پرولتاریا آزادی استثمارگران ، استثمارگران و سرمایه داران را در یک سری از موارد محدود میکند . ما بایستی آنها را محدود و تحت نظر بگیریم تا بشریت را از قید بردگی مزدوری نجات دهیم . باین خاطر مقاومت آنان بایستی در هم شکسته شود . » ( ل م آ - ۲۶۱ و ۲۵ )

در سال ۱۹۲۹ ، کارگران و دهقانان چین بفرهبری حزب کمونیست چین و مانوئه دون قدرت را بزور اسلحه بنیست گرفته و دیکتاتوری دموکراتیک خلق را که شکل معینی از دیکتاتوری پرولتاریا در شرایط مشخص چین است ، تاسیس کردند . این شکل دیکتاتوری با شکل دیکتاتوری در شوروی چنانچه در فصل آینده مورد بحث قرار خواهد گرفت در بعضی موارد تفاوت دارد ولی ماهیت هر دو یکی است :

« خلق کیست ؟ در مرحله حاضر در چین ، خلق به طبقه کارگر ، دهقانان ، خورده بورژوازی شهری و بورژوازی ملی اطلاق میشود . این طبقات بفرهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست ، متحد شده تا دولت خود را انتصاب و تشکیل دهند . آنها دیکتاتوری خود را بر سگهای زنجیری امپریالیسم یعنی طبقه مالکین ارضی ، بورژوازی بوروکرات و همچنین نماینده این طبقات یعنی مترجمین کومیندان و دستیاران آنها اعمال داشته ، آنها را تحت کنترل قرار داده و باینها ابدا اجازه گفتار و یا کرداری که نظم حاضر را بخطر بیاورد داده نخواهد شد . اگر چنانچه آنها چه در صحبت و چه در عمل سعی در مختل کردن دیموکراسی و نظم حاضر بکنند فوراً جلوی آنها گرفته

عده و مجازات خواهند شد - نسوكراسى در صفوف مردم بصورتهاى آزادى بيان و  
تجمع و معاشرت و غيره رواج خواهد يافت - حى راى فقط با خلق خواهد بود  
و نه با مرتجعين - مجموعه اين نو جنبه يعنى نسوكراسى براى خلق و ديكتا-  
تورى در مقابل مرتجعين مفهوم ديكتاتورى نسوكراتيك خلق را تشكيل مى  
دهد \* ( ل م آ - م م آ - آ م آ - آ م آ )

## ۲- ادامه مبارزه طبقاتى

مبارزه طبقاتى پس از واژگون شدن حلقه بورژوازى پايان نخواهد يافت - بر-  
عكس اين مبارزه براى مدت طولانى ادامه يافته و در بسيارى موارد تشديد نمى-  
شود :

نابودى طبقات - به يك مبارزه طبقاتى طولانى و متداوم نهاى زمينى  
است كه پس از سرنگونى حلقه سرمايه دارى ناپودى حكومت بورژوازى و بر-  
قرارى ديكتاتورى پرولتاريا اين مبارزه طبقاتى از بهمن نرفته ( چنانكه  
نمايندگان عامى سوسياليسم و سوسيال نسوكراسى قديم تصور مىكنند ) بلكه  
فقط تخمير شكل داده و در بسيارى موارد نيز تشديد خواهد شد \* ( ل م آ -  
آ م آ - آ م آ - آ م آ )

در اين دوره ديكتاتورى پرولتاريا بمنظور در هم گرفتن مقاومت پايان نهايه  
بورژوازى بايستى برقرار مانده تا زهر بنى اقتصادى را با جا بگزين نمودن توليد  
سوسياليسمى بجاي توليد سرمايه دارى دكرگون نموده و انقلاب را به حيله ايدئولو-  
ژي نيز بگفاند \*

" بورژوازى در كعبه ما مطلوب گرديده ولي هنوز ريمه كن و ناپود نشسته  
است - پايان خاطر است كه ما با يك شكل جديد و عاليترى از مبارزه بسمر  
عليه بورژوازى روبرو هستيم - اين شكل كنار از مرحله بسار آسان فعلى  
يعنى بهقدر خلق يد نمون سرمايه داران تا مرحله حل نمودن مسئله بسبار  
ممكن تر يعنى بوجود آوردن هرايلى كه موجوديت بورژوازى و با ظهور بورژ-  
وازى جديد را منهدم سازد ميباعده \* ( ل م آ - آ م آ - آ م آ )

« این دیکتاتور اعمال سریع و عفن قهر را در سرکوبی مقاومت استثمار -  
گران و سرمایه‌داران و مالکین ارضی و نوکران آنان مفروض میدارد. هر  
کسی که این مسئله را درک نکند یک انقلابی نیست و بایستی از دست پهنرو  
با معاوره پرولتاریا خلع خود. »

ولی معنوی دیکتاتور پرولتاریا فقط در قهر و با حتی بطور عمده در قهر  
نهفته نیست. جنبه اصلی آن متعقل نمودن و سازمان دادن گروه پهنرو  
مریم زحمتکش و تنها رهبر پهنرو آنها یعنی پرولتاریا که هدف ساختمان  
سوسیالیسم و از بهین بردن جامعه صفاتی و تبدیل تمام اعضا جامعه به  
مریم کارگر و از بهین بردن تمام عالوه و بیخانی که برمیخیزد استثمار  
انسان از انسان استوار است میباشد. رسیدن به این هدف یک عید امکان  
پذیر نیست بلکه به یک مرحله طولانی گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم  
احتیاج است. زیرا که متعقل کردن تولید بر پایه‌های نوین کار بفرنجی  
است، زیرا که تفهیمات اساسی در تمام عئون زندگی بزمان احتیاج دارد و  
بالغیره بعلمت اینکه تفهیمات عادات خوردن بورژوازی و بورژوازی روه کار تنها  
بوسیله یک مبارزه مصمم و طولانی امکان پذیر است. درست باین علت است  
که مارکس از یک مرحله تمام و کمال دیکتاتور پرولتاریا بعنوان مرحله  
گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم صحبت نموده. (ل. م. آ - ۳۸۸ و ۲۹)

« طبقات استثمار کننده یعنی مالکین ارضی و سرمایه‌داران هنوز از بهین  
نرفته‌اند و از بهین رفتن آنها هم در دوران دیکتاتور پرولتاریا یک عید  
و در یک آن نخواهد بود. ضربات قاطعی بر بهین استثمار گران وارد آمد  
است ولی آنها بکلی از بهین نرفته‌اند. آنها هنوز بعنوان یک عید از  
سرمایه بهین الملی دارای پایه بهین الملی در فرم سرمایه بهین الملی  
هستند. آنها هنوز برخی از وسائل تولید را تا حدودی در اختیار دارند  
آنها هنوز پول و بارضی در اختیار دارند. درست بعلمت حکمت آنها، تهروری  
مقاومت آنها صد برابر بلکه هزار برابر عده است. از نظر « هنجسره » اداره  
دولت و ارتش و اعتماد برتری زیادی دارا می‌باشند. نتیجتاً اهمیت آنها

خیلی بیشتر از نسبت تعداد آنها به جمعیت میباشد = ( ل م آ - ۱۱۵ و ۳۰ )  
 نظر لندن توسط مائوتسهدون تأیید شده است ؛  
 « انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی حاضره بمنظور استحکام دیکتاتوری  
 پرولتاریا ، جلوگیری از تجدید سرمایه داری و امر ساختمان سوسیالیسم  
 مطلقاً ضروری و بموقع است = ( پ ر - سال ۶۹ ، شماره ۱۸ ، ص ۱۵ )

### ۳- مبارزه ایئتولوزیک

هم قبل و هم بعد از انقلاب پرولتاریائی ، پرولتاریا بایستی یک مبارزه  
 همگامی را بر علیه ایئتولوزی بورژوازی و بخصوص خورده بورژوازی ادامه دهد .  
 شکل گیری عقاید بورژوازی عمدتاً توسط روشنفکران بورژوا که دل سهمی را در مبارز  
 ایئتولوزیک بخصوص در دورانیهای انقلابی بازی میکنند ، انجام میگیرد . بر همین  
 دورانیها ، بعضی از آنها مثل خود مارکس پس از « درک نشوریک حرکت تاریخ در  
 مجموع » = به صف پرولتاریا می پیوندند = ( م ا - ۴۳ ، ۱ همچنین ل م آ - ۵۰۳۲۷۵ )  
 خصوصیات مخصوص ایئتولوزی خورده بورژوازی از موقعیت یک خورده بورژوا بمنوان  
 یک مالک ناشی میشوند . با این خصوصیات او منافع زیاد در جامعه سرمایه داری  
 دارا میباشد ولی در عین حال بخاطر استثمار توسط مالکین بزرگ داتما در خطر  
 نابودی و افتادن در ورطه پرولتاریا می باشد . واقع شدن در موضعی مابین دو  
 طبقه متضاد ، باعث میشود که خورده بورژوا همیشه متزلزل باشد ؛

« مارکسیست ها عدتهاست باین حقیقت پی برده اند که در هر جامعه سرمایه  
 داری تنها نیروهای تعیین کننده پرولتاریا و بورژوازی میباشد . در حالی  
 که تمام عناصر اجتماعی که موضعی مابین این دو طبقه دارند و از نظر  
 اقتصادی در جرگه خورده بورژوازی باشند ناچاراً بهین این دو طبقه تکیه  
 خواهند کرد . » ( ل م آ - ۱۸۱ و ۲۸ )

« خورده بورژوازی اجباراً ما بهین دیکتاتوری بورژوازی (کرنسکی ، دورنیلتو  
 ساوینکوف) و دیکتاتوری پرولتاریا تکیه میکنند زیرا که بخاطر موضع  
 اقتصادی ، خورده بورژوازی نمیتواند هیچ چهره و هیچ کاری را مستقل



انجام نمود . . ( ل م آ - ۲۰۰ و ۲۸ )

" مابین پرولتاریا و بورژوازی طبقه دیگری وجود ندارد که گاهی باینطرف و گاهی بانطرف متمایل میشود . در تمام انقلابات این مسئله وجود نداشته و بخصوص در جامعه سرمایه داری که پرولتاریا و بورژوازی دو کمپ متخاصم را تشکیل میدهند غیر ممکن است که قشر میانی وجود نداشته باشد . وجود این عناصر متزلزل از نظر تاریخی حتمی است . منافذانه این عناصر کسبه خونسفان نمونه نقد که غربا در صفاچه کسی خواهد چنگید برای صحت علمی موجود خواهند بود . . ( ل م آ - ۱۷۱ و ۲۸ )

پرولتاریا در مبارزه خود بمنظور مطیع کردن خورده بورژوازی بایستی یک چنین مبارزه ای را در صفوف خود نیز به پیش برد زیرا که از نظر تاریخی خود نیز زائیده خورده بورژوازی شهری و با روستائی بوده و بناها بر تعدادش از این منبع اضافه میشود . مبارزه بر علیه بورژوازی بزرگ بصورت یک رودرروئی عینی مابین سرمایه و کار در مهاید ولی مبارزه بر علیه ایدئولوژی خورده بورژوازی به صور عمده مبارزه ای در درون صفوف طبقه کارگر میباشد :

" یکی از دلایل مهمی که هر چند یکبار اعتلاقیاتی بر سر مسئله تاکتیک به وجود میآورد همانا رعد جنبش کارگری است . اگر چنین جنبشی با مهارهای صحیح کنترل نشده و بعنوان جنبش عملی مردم عادی تلقی شود واضح است که هموستن تعداد هر چه بیشتر افراد ، جنبش بعضیهای جدید طبقه کارگر الزاما با نوساناتی در زمینه تئوری و تاکتیک در زمینه تکرار اعتباهات گذشته و دوباره بسمان آمن نظرات و مقدماتی از کار افتاده و غیره همراه خواهد بود . . ( ل م آ - ۲۸۲ و ۱۶ )

" در هیچ کجای دنیا هیچ جنبش پرولتری بوجود نیامده و نمیتواند کسبه " نا کپان " بمثال مینروا " از نوک زوهرتر بفکل کاملاً طبقاتی خود بوجود آید . فقط با یک مبارزه طولانی و سخت توسط پیشروترین و آگاهترین

کارگران، با اعتماد و استحکام جنبش طبقاتی پرولتاریا امکان پذیر شده و توانست خود را از تمام زائادات خورده بورژوازی از قبیل محدودیتها، کوتاه بینی ها و انحرافات نجات دهد. طبقه کارگر شانه بپا نه خورده بورژوازی زندگی کرده و هر چه که خورده بورژوازی بیشتر بورژوازی نابودی نزدیک می شود صفوف پرولتاریا را با تعداد هر چه بیشتری پر میکنند. . .

( ل م آ - ۲۵۲ و ۲۰ )

" در سراسر دنیا در تمام جوامع سرمایه داری، پرولتاریا الزاما با هزار رهنه به خورده بورژوازی متصل است و در همه جا دوران بوجود آمدن احزاب کارگری تحت تاثیر نفوذ کم و بیش طولانی و سخت سیاسی و ایدئولوژیک بورژوازی قرار یافته است. تمام جوامع سرمایه داری در مورد این مسئله متفقند ولی با در نظر گرفتن عوامل تاریخی و اقتصادی مختلف در این کشورها این مسئله با همکال مختلف بروز کرده است. " ( ل م آ - ۲۶۸ و ۲۰ )

یک چنین مبارزه ای در صفوف جنبش کارگری تدارکی لازم برای انقلاب است زیرا که در هیچ موقعیت انقلابی حتی اختلافاتی که در گذشته کم اهمیت جلوه می کردند ممکن است ناگهان بصورت حیاتی بروز نمایند :

" بسیار طبیعی است که جهان بینی خورده بورژوازی بصورت مکرر در صفوف احزاب کارگری بزرگ جلوه گر شود. آنچه که ما اکنون اغلب فقط در زمینه ایدئولوژی با آن روبرو می شویم - یعنی اختلافات بر سر اصلاح نظریه مارکس - آنچه که اکنون در تجربه عملی بر سر مسائل فرعی جنبش کارگری بروز میکند و یا بصورت اختلافات تاکتیکی با رویزبونیست ها که منجر به انحرافات می شود، همه و همه در سطح بسیار و بیشتری در هنگامی که انقلاب پرولتری مسائل مورد اختلاف را بطور بارزتری متجلی نموده و اختلافات بر سر مسائل مهم بخاطر رهبری توده ها متبلور شده و کوران مبارزه ایجاد میکند که ما بین دوست و دشمن خط قاطع کشیده شده تا بتوان بدشمن ضربات قاطع وارد نموده متجلی خواهند شده. " ( ل م آ - ۲۹ و ۱۵ )

بعد از انقلاب، پرولتاریا با یستی در تمام دوران با اعتماد و استحکام

مبارزه ایدئولوژیک خود را تا زمانیکه تولید کوچک بعنوان اساس ایدئولوژی  
خورده بورژوازی وجود دارد ادامه دهد :

" متأسفانه ، تولید کوچک هنوز بر سراسر دنیا وجود دارد . این تولید  
دائما ، هر روز و هر ساعت بصورت خود بخودی و بر سطح وسیع بقاء و رشد  
سرمایه داری و بورژوازی را تقویت میکند . همه این دلایل لزوم دیکتاتوری  
پرولتاریا را اثبات مینمایند . بهروزی بر بورژوازی بدون يك مبارزه  
طولانی و سرستانه ، يك نبرد مرگ و زندگی که احتیاج به پشتکار و انعطاف  
و اراده آهنین دارد غیر ممکن است . " ( ل م آ - ۲۶ و ۲۱ )  
" ناپودی طبقات تنها سرنگونی مالکین و سرمایه داران که ما نسبتا بسبب  
راحتی انجام ندهیم نبوده بلکه از بهین برین مولدین کالاهای کوچک نیز  
منظور میباشد . ما نمیتوانیم این اخصاس را مرده و نابود کنیم بلکه  
بایستی یاد بگیریم که چگونه با آنها کنار بیاییم . آنها ناپایدار  
دارند و بایستی که با کار متفکرانه ، محتاطانه و آهسته و طولانی تجدید تربیت  
شده و تغییر کنند . آنها تمام حول و حوس پرولتاریا را با يك اتصاف  
خورده بورژوازی پر کرده که این اتصاف باعث فساد پرولتاریا شده و باثما  
در میان پرولتاریا کرایفهای مختلف خورده بورژوازی از قبیل بی خصیتی ،  
تفرق ، فردگرائی و حالتهای متفکری روسی ، شادی و افسردگی را عرضه میدهند .  
... دیکتاتوری پرولتاریا يك مبارزه بدون وقفه همراه با خون ریزی و  
بدون خوشریزی ، قهرآمیز و راجح آمیز ، نظامی و اقتصادی ، همراه با  
آموزش و نظارت بر علیه نیروها و عادات پوسیده جامعه دهن میباشد . "

( ل م آ - ۲۱۵ و ۲۰ همچنین ل م آ - ۲۶ و ۲۱ )

#### ۶- آپوزیسیونیم "چپ" و راست

کراپشات اصلی خورده بورژوازی در جنبش طبقة کارگر بشریتب متامل آنها  
عبارتند از : آنارشیسم ، سندیکالیسم ، رفرمیسم و رویزیونیسم .  
آنارشیسم از روسیه سرچشمه گرفت . یکی از رهبران آن باکونین از مخالفین

مارکسی در انترناسیونال اول بوده. مارکس چنین عنوان میکند که دولت بی-عنوان وسیله حکومت طبقاتی تا وقتی که اجتماع طبقاتی وجود ندارد الزاماً وجود خواهد داشت. مارکس وظیفه پرولتاریا را نه بعنوان از بهین بردن دولت بلکه بعنوان جایگزینی دولت بورژوازی با دولت پرولتری میدهد. تنها در این صورت شرایط نابودی نهایی طبقات فراهم خواهد شد. با کونین چنین عنوان می کرد که نابودی دولت وظیفه مبرم کارگران بوده و آنها نه بوسیله تشکیل حزب صیغه کارگر، نه بوسیله مبارزه سیاسی بلکه بوسیله عمل مستقیم آنان. آثار - نیست ما درک نکردند که نابودی دولت در مراحل تاریخی آینده انجام خواهد شد و این مرحله هم تنها توسط دیکتاتوری پرولتاریا فرا خواهد رسید:

"آنا ریسیم صرف دیگر فردگرایی بورژوازی است. فردگرایی پایه جهان - یعنی آنا ریسیتی است. آنا ریسیم شامل اجتماع و نقل تولید یا مفیاس وسیع و شامل سرمایه داری به سوسیالیسم را درک نمیکنند. آنا ریسیم محصولی بوده و حالت روحی یک روشنفکر سرگردان. یک در بدر و نه یک پرولتر را بیان میکنند." (ل م آ - ۲۲۲ + ۵ همچنین ۴۸۱ + ۲۵)

سندیگالیسم رابطه نزدیکی با آنا ریسیم دارد. سندیگالیستها نیز دیکتاتوری پرولتاریا را نعی میکنند. آنها معتقدند که کارگران میتوانند بنوسط سیدیگا - های قارگری یک اعتصاب عمومی برای انداخته زمام تولید را بدست گیرند و در نتیجه سرمایه داری را سرنگون سازند.

منشاء رفریسیم از انگلستان است. فابین ها\* گروهی از روشنفکران و رهبران طبقه کارگر بودند که پایه تئوریک برای حزب کارگر بوجود آوردند. عمده آنها مبنی بر "الزام رشد تدریجی" دارای محتوی رفریسیتی میباشد. بدین صورت که می پندارند که سرمایه داری میتواند توسط یکسری تغییرات تدریجی بدون تغییرات کیفی یا به عبارت دیگر انقلاب، به سوسیالیسم گذار پیدا نماید. رفریسیم دامنه وسیعی پیدا نموده و از انگلستان به تمام قاره اروپا

سراپت نمود . بخصوص در آلمان بصورت رویزیونیسم تظاهر نمود . پایه گذار رویزیونیسم برنشتاین که خود زمانی مارکسیست بوده میباشد . او بسیاری از عقاید خود را از فابین ها گرفته است . ( ل م آ - ۲۸۱ ، ۲۷ همچنین ۲۷۰ ، ۱۲۵ ) . تفاوت رویزیونیسم با فرمیسیم در اینست که رویزیونیسم ایده های فرمیسیتی را بعنوان اصلاحاتی بر مارکسیسم ارائه میدهد . در آلمان بخاطر پایه عمیق مارکسیسم در میان کارگران رویزیونیست ها مجبور شدند آنرا طوری تعبیر نمایند که محتوی انقلابی آن نپسند کرد .

\* طرفداران برنشتاین مارکسیسم را بدون محتوی انقلابی مستقیم آن قبول داشته و میدارند . آنها به مبارزات پارلمانی بعنوان یکی از سلاح های مبارزه که در مراحل زمانی مشخص بکار میاید نگاه نکرده بلکه آنرا به عنوان شکل اصلی و کم و بیش تنها راه مبارزه نگاه میکنند . آنها "فهره" "ضبط" و "دیکتاتوری" را غیر لازم میدانند . ( ل م آ - ۲۴۹ ، ۱۰ همچنین ۳۰۰ ، ۱۹ )

\* ولی بعد از اینکه مارکسیسم تمام دکترین های فرم گرفته مخالف خود را از میدان خارج کرد ، کرایشات سیاسی شفته در این دکترین ها در صدد راه های جدیدی برآمدند . اشکال دلائل مبارزه تعمیر کردند ولی عسود مبارزه ادامه پیدا کرد . با شروع دومین نهم قرن موجودیت مارکسیسم یعنی در حوالی دهه آخر قرن نوزدهم مبارزه بر علیه کرایش ضد مارکسیستی در نرون خود جنبش مارکسیستی آغاز گشت . برنشتاین که خود زمانی مارکسیست سرسختی بوده ، با سرودن زیادی مسئله اصلاح مارکس را عنوان نموده و اسم خود را با این کرایش سیاسی یعنی رویزیونیسم عجین نمود . ( ل م آ - ۳۲ ، ۱۵ )

\* "جنبش همه چیز است . هدف نهائی هیچ چیز نیست" این عبارت برنشتاین محتوی رویزیونیسم را بهتر از بسیاری از خطابه های طولانی بیان میکنند . سیاست و خط مشی رویزیونیسم مبتنی بر تعیین وظائف خود در هر لحظه که مسئله ای بوجود میاید ، تسلیم شدن به جریانات روز و تعمیر و تحولات

سیاستهای غیرعمده ، فراموش کردن منافع والای پرولتاریا و سیاستهای اصلی  
 سیستم سرمایه داری در کل و تفهیرات آن و بالاخره خدا نمودن این منافع  
 بخاطر امتیازات واقعی و یا فرضی لفظهای مبالغه‌آمیز (ل م آ - ۳۷ و ۱۵ )  
 هنگامیکه حزب سوسیال دموکرات روس در مرتبه در سال ۱۹۰۴ تشکیل گردید ،  
 از همان آغاز در درون آن دو کرایشی مختلف وجود یافت ، کرایشی انقلابی که بلشویک  
 ها طرفدار آن بودند و کرایشی اپورتونیستی که منشیویکها از آن طرفداری میکردند ؛  
 در سالهای پرتلاطم ۱۹۰۷ - ۱۹۰۵ منشویسم کرایشی اپورتونیستی بوده و  
 حمایت لبرالیهای بورژوا را نیز در پشت سر داشت ، این کرایشی تمایلات  
 لبرال - بورژوا را بشرون جنبش کارگری وارد نموده ، محتوی آن فیسون  
 مبارزه طبقه کارگر بخاطر کمک به لبرالیسم بود ،  
 برعکس ، بلشویسم وظیفه کارگران سوسیال - دموکرات را علیرغم توانائی  
 و غیانتیهای لبرالیها بسج نقانان دموکرات برای مبارزه انقلابی  
 میدانست . ( ل م آ - ۲۳۲ و ۲۱ )

در اینجا وقتی صحبت از « اپورتونیسم » بمیان میاید قصد لنین فرمیسم یا  
 رویزیونیسم میباشد ، یعنی عملت دنیااله روی منشیویکها از بورژوازی ، در همون  
 مرحله از جنبش بلشویکها مجبور به مبارزه بر علیه کرایشات « ماجراجویانه » و  
 یا « آنارشیتی » نیز بودند ، آنچه‌ی که لنین « ماجراجویی انقلابی » (ل م آ -  
 ۱۸۶ و ۶ ) و یا « انقلابیگری خورده بورژوانی » (ل م آ - ۲۳۱ ، ۲۲ ، ۲۱ و ۲۱ ) می  
 نامد ، در حقیقت این دو کرایشی متضاد یعنی اپورتونیسم و آنارشیسم مکمل هک  
 دیگرند ، درست مانند دو طرف یک مسئله ؛

« آنارشیسمتها اعضای سوسیال دموکرات پارلمان را مسخره کرده و اصلا  
 کاری بدار آنها ندارند ، آنها اصلا کاری در جهت بوجود آوردن یک حزب  
 پرولتری ، یک سیاست پرولتری و یا اعضا پارلمان پرولتری انجام نمیدهند  
 جمله پردازیهای آنارشیتی آنها را در عمل به حادق ترین یاران اپورتو-  
 نیسم ، به طرف دیگر اپورتونیسم بدل کرده است . » (ل م آ - ۳۹۱ و ۱۵ )  
 « آنارشیسم اغلب یک نوع جرمه برای کناهای اپورتونیستی جنبش طبقه